



## مداحان به سوگ دختر 4 ساله ابا عبدالله الحسین (ع) می‌نشینند

مداحان اهل بیت (ع) در شب سوم دهه اول ماه محرم به مصائب حضرت رقیه دختر سه چهار ساله ابا عبد الله الحسین (ع) از جمله گم شدن وی، کتک خوردن، دیدن خواب پدر، راز و نیاز با سر به نیزه شده امام، خار مغیلان، سبوعیت خولی و شمر و روضه خرابه می‌پردازند.

خبرگزاری فارسی: مداحان اهل بیت (ع) در شب سوم دهه اول ماه محرم به مصائب حضرت رقیه دختر سه چهار ساله ابا عبد الله الحسین (ع) از جمله گم شدن وی، کتک خوردن، دیدن خواب پدر، راز و نیاز با سر به نیزه شده امام، خار مغیلان، سبوعیت خولی و شمر و روضه خرابه می‌پردازند.

### رقیه

دختر سه چهار ساله ابا عبد الله الحسین (ع) که در سفر کربلا همراه اسرای اهل بیت بوده و در شام، شبی پدر را به خواب دید و پس از بیدار شدن بسیار گریست و بی‌تابی کرد و پدر را خواست. خبر به یزید رسید. به دستور او سر مطهر امام حسین (ع) را نزد او بردند و او از این منظره بیشتر ناراحت و رنجور شد و همان روزها در خرابه شام (که محل اقامت موقت اهل بیت بود) جان داد. البته در باره این دختر و شهادتش، میان مورخین نظرواحدی وجود ندارد.

خردسالی این دختر و عواطفی که نام و یادش و کیفیت جان باختنش و مدفن او بر می‌انگیزد شگفت است و شیعیان به او علاقه خاصی دارند. محل دفن او کنار یک بازارچه قدیمی و با فاصله از مسجد اموی در دمشق قرار دارد و چندین بار تعمیر شده است. آخرین تعمیر و توسعه در سال 1364 شمسی از سوی ایران آغاز شد و پس از چند سال به پایان رسید. اینک حرمی بزرگ و باشکوه برای آن دختر خردسال بزرگوار وجود دارد که زیارتگاه دوستداران اهل بیت است. از بهر یاد بود از این نهضت بزرگ در شهر شام، دخترکی را گذاشتیم تا دودمان دشمن ظالم فنا شود؛ آنجا رقیه را به حراست گماشتیم

### شام

شام به سرزمین منطقه سوریه، فلسطین، لبنان، اردن و اطراف آنها گفته می‌شده است. شامات هم می‌گویند. این سرزمین در صدر اسلام فتح شد و معاویه در دوره عثمان والی آنجا بود و امویان از آن پس بر آن منطقه استیلا یافتند و از حکومت مشروع علی (ع) سربرتافتند. دمشق، پایتخت امویان بود. یزید هم آنجا حکومت می‌کرد. از سرزمین شام در روایات، نکوهش شده و ائمه از آن به بدی یاد کرده‌اند. اهل شام بویژه در عهد معاویه، با علی دشمنی بسیار می‌کردند و از جمله علل آن تبلیغات گسترده معاویه و امویان بر ضد علی (ع) و بنی هاشم بود و چون در آن منطقه نفوذ و استیلا داشتند، افکار را بر ضد اهل بیت، منحرف می‌ساختند و بذر دشمنی آنان را در دلها می‌پراکندند. در دوره‌های بعد هم میان شامیان و عراقیان خصومت و ناسازگاری ادامه یافت و شهرها و مردم عراق، اغلب زیر بار حکومت دمشق نمی‌رفتند. سرهای مسلم بن عقیل و هانی راپس از شهادتشان به شام که مقر حکومت یزید بود فرستادند.

اهل بیت سید الشهداء (ع) پس از واقعه کربلا که به اسارت دشمن در آمدند، ابتدا به کوفه و از آنجا به شام برده شدند و چند روزی در دمشق اقامت کردند. دیدارشان با یزید در دار الخلافه در همین شهر بود که حضرت زینب و امام سجاد (ع) در بارگاه یزید خطبه خواندند و یزید را رسوا ساختند.

قبر حضرت زینب و رقیه که هر دو بصورت حرم و زیارتگاه شیعه است، در شام است. قبر رقیه نزدیک مسجد جامع دمشق و حرم حضرت زینب در زینبیه، بیرون از دمشق است.

سفر به شام برای اهل بیت حسین (ع) بسیار تلخ و مصیبت‌های دوران اسارت در این دیار، برایشان از سختترین مصیبت‌ها بوده است. وقتی از امام سجاد پرسیدند: در سفر کربلا، سختترین مصیبت‌های شما کجا بود، سه بار فرمود: «#171; الشام، الشام، الشام».

### خرابه شام

پس از خطبه زینب (ع) در مجلس یزید که اوضاع را بر ضد او متحول ساخت، یزید ناچار اهل بیت را در خرابه‌ای بی سقف جای داد. آنان سه روز در آن خرابه بودند و بر حسین (ع) نوحه و عزاداری می‌کردند.

رقیه، دختر خردسال امام حسین (ع) نیز در همانجا پدر را در خواب دید و پس از بیداری گریه سر داد و سر سید الشهداء را برایش آوردند و با دیدن آن صحنه مرغ جانش پر کشید و جان داد.

مدفن رقیه نیز همانجاست که بعدها حرمی برایش ساختند. (این مساله از نظر محققان مورد بحث و تشکیک قرار گرفته است.) زهرای حزین ز گرد راه آمده بود جبریل، غمین و عذر خواه آمده بود در کنج خرابه، در میان طبقی خورشید، به مهمانی ماه آمده بود جغد دلم خرابه شام آرزو کند تا با سه ساله دخترکی گفتگو کند آن کعبه‌ای که قبله ارباب حاجت است حاجت رواست، هر که به آن قبله رو

## خار مغیلان

خار درخت &#171#؛ام غیلان»ام غیلان درخت خار داری است که در بادیه می‌روید که گاهی به اندازه درخت سیب یا کوچکتر می‌شود. در مرثیه‌ها چنین گفته می‌شود که پس از شهادت امام حسین &#171#ع؛ و حمله دشمن به خیمه‌ها و به آتش کشیدن آنها، کودکان آواره دشت و بیابان شدند و دو کودک در بیابان، دور از جمع اهل بیت، گم شدند و شب زیر خار مغیلان پناه گرفتند و جان باختند. در منابع معتبر تاریخی چنین چیزی نیامده است.

## سر امام حسین &amp;#171#ع؛

روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار خورشید سر برهنه بر آمد به کوهسار پس از شهادت ابا عبد الله &#171#ع؛، سپاه کوفه قساوت و دشمنی را به اوج رساندند و سرمطهر آن حضرت را از پیکر جدا کردند، سپس به دستور عمر سعد، پیکر آن امام را زیر سم اسبها له کردند. این سر مقدس، همراه سرهای دیگر شهدا بر نیزه‌ها شد و در کوفه و شام و شهرهای دیگر گردانند تا دیگران را بترسانند. سر مطهر سید الشهداء &#171#ع؛ ماجراهای مختلفی در حادثه کربلا دارد، اینکه سر آن حضرت را از پشت گردن می‌برند، بر نیزه می‌کنند، خولی سر را به خانه خویش برده در اتاقی یا تنوری پنهان می‌کند، سر امام بر فرازی در کوچه‌های کوفه قرآن تلاوت می‌کند، نزد ابن زیاد، بر طشت طلا نهاده می‌شود، در راه شام در دیر راهب سبب مسلمان شدن قنسرین می‌شود، در کاخ یزید، بر طشت نهاده نزد او می‌آورند، یزید با خیزران بر آن سر و لبها می‌زند، در خرابه شام نزد رقیه دختر امام حسین برده می‌شود و... هر کدام موضوعی است که دستمایه بسیاری از مرثیه‌های سوزناک گشته و در باره این وقایع، شعرها و نوحه‌های بسیار سروده‌اند.

این که سر مطهر کجا دفن شد، میان محققان نظر واحدی نیست. برخی بر این عقیده‌اند که سر را از شام به کربلا آوردند و به بدن ملحق ساختند (نظر سید مرتضی)، برخی معتقدند در کوفه، نزدیک قبر امیر المؤمنین &#171#ع؛ دفن شد و برخی هم جاهای دیگر را گفته‌اند. شام، محلی به نام جایگاه سر مطهر معروف است که محل عبادت است.

برخی هم مدفن سر را در مصر، مسجد راس الحسین می‌دانند و برای کیفیت انتقال آن به آن منطقه، تاریخچه‌ای را ذکر می‌کنند. اما مشهور آن است که سر را به کربلا آوردند و کنار پیکر دفن شد و این را جمعی از علما در تالیفاتشان آورده‌اند.

اصل این جنایت بی سابقه، برای امویان مایه ننگ بود. این که به دستور ابن زیاد، سر آن حضرت را بر نیزه کرده در کوفه چرخاندند، اولین سری بود که در دوران اسلام با آن چنین کردند.

بریدن سر و بر نیزه کردن آن و شهر به شهر گرداندن، حتی در سروده‌ها و مرثیه‌های آن دوره نیز مطرح شده و بعنوان کاری فجیع و زشت از آن یاد شده است که نشانه مظلومیت تار الله است. در شعر بشیر هنگام خبر دادنش از ورود اهل بیت به مدینه می‌خوانیم: &#171#ع؛ و الراس منه علی القنائة یدار» و در شعر حضرت زینب در کوفه پس از دیدن سر برادر بر فراز نی، آمده است: &#171#ع؛ یا هلالا لما استتم کمالا...»

این بی‌حرمتی آشکار، بر خلاف آنچه که یزیدیان می‌خواستند دیگران را مرعوب کنند، موجی از احساسات خصمانه بر ضد آنان پدید آورد و مردم، عمق خباثت دودمان &#171#ع؛ شجره ملعونه» را شناختند. چند بیت از سروده‌های شاعران را بعنوان نمونه، پیرامون سر مطهر می‌آوریم:

ای رفته سرت بر نی، وی مانده تنت تنها ماندی تو و بنهادیم ما سر به بیابانها ای کرده به کوی دوست، هفتاد و دو قربانی قربان شومت این رسم، ماند از تو به دورانها سر بی تن که شنیده است به لب آیه کهف یا که دیده است به مشکات تنور آیه نور؟

بر نیزه، سری به نینوا مانده هنوز خورشید فراز نیزه‌ها مانده هنوز در باغ سپیده، بوته بوته گل خون از رونق دشت کربلا مانده هنوز زان فتنه خونین که به بار آمده بود خورشید &#171#ع؛ و لا» بر سر دار آمده بود با پای برهنه دشتها را زینب دنبال حسین، سایه وار آمده بود. روزی که در جام شفق، مل کرد خورشید بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید شید و شفق را چون صدف در آب دیدم خورشید را بر نیزه، گویی خواب دیدم خورشید را بر نیزه؟ آری این چنین است خورشید را بر نیزه دیدن، سهمگین است بر صخره از سیب زنج، بر می‌توان دید خورشید را بر نیزه کمتر می‌توان دید.

## خولی

خولی بن یزید اصبحی از دژخیمان کوفه و دشمنان اهل بیت &#171#ع؛ بود. پس از آنکه امام حسین &#171#ع؛ روز عاشورا در قتلگاه بر زمین افتاد، جلو آمد تا سر مطهر حضرت را جدا کند.

وی به اتفاق حمید بن مسلم از دی، سر امام حسین را نزد ابن زیاد برد، اما چون دیر شده و در قصر بسته بود، خولی سر مطهر را شب به منزل برد و پنهان کرد. او دو زن داشت. چون زنش فهمید که سر حسین &#171#ع؛ را به خانه آورده، کینه او را به دل گرفت و از رختخواب بلند شد و دیگر با او همبستر نشد. خولی در ایام مختار پنهان بود. زن دیگرش (به نام عیوف بنت مالک) جای او را به یاران مختار خبر داد. این زن از آن هنگام که خولی سر ابا عبد الله &#171#ع؛ را آورده بود با او دشمن شده بود. خولی را گرفته، کشتند.

آن شب که خولی سر مطهر را به منزل خویش برده بود، همسرش از آن اتاق یا تنوری که سر در آن نهاده شده بود، نوری را دید که به آسمان کشیده شده است. &#171#ع؛ تنور خولی» از همین جا در مرثیه‌ها راه یافته است.

شب بود و من به مطبخ آن خانه آمدم مطبخ نه، سوی راز نهانخانه آمدم دیدم که نور می‌زند از دخمه‌ای برون دل خسته‌ام کشاند به

دنبال رد خون خون در میان نور چه می‌کرد؟ یا علی خورشید در تنور چه می‌کرد؟ یا علی &#171;ع تا جهان باشد و بوده است، که داده است نشان میزبان خفته به کاخ اندر و مهمان به تنور سر بی تن که شنیده است به لب سوره کهف؟ یا که دیده است به مشکات تنور آیت نور .

نی، نیزه

نی، گیاهی آبی و دارای ساقه میان کاواک و راست. ساقه آن میان تهی و به ضخامت انگشتی یا بیش از آن است و رنگ آن غالباً زرد است... و هر لوله مانندی که میان تهی باشد، مزمار، نای. نیزه سلاحی معروف که چوبی باریک است و استوانه‌ای شکل، مانند نی که در سر آن پیکانی نصب کرده‌اند، به عربی رمح گویند. به معنای پرچم و رایت هم آمده است. در عاشورا، هم به عنوان سلاح جنگ به کار گرفته می‌شد، هم سر شهدا را بر نوک نیزه‌ها کردند و به دربار بردند و در شهرها گرداندند. به قول محتشم:

روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار خورشید سر برهنه برآمد ز کوهسار  
در کاربرد ادبی، نی به جای نیزه هم به کار می‌رود. به گفته جودی:  
ای رفته سرت بر نی، وی مانده تنت تنها مانندی تو و بنهادیم ما سر به بیابانها  
نیز نوعی قرینه سازی ادبی میان نی و نینوا به کار می‌رود. به گفته فرید:  
سر نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود  
ماخذ: فرهنگ عاشورا- استاد جواد محدثی